

خیلی بیشتر از محیط‌هایی است که در آن پیوسته‌های فرهنگی وجود دارد.»

پژشکیان در حمایت از سینماگران تاکید کرد: «اگر مردم به من رأی دادند، در دولت آینده قطعاً به حوزه فیلم، فیلم‌سازی، هنر و سینما کمک می‌کنم تا تقویت شوند و موانع پیش روی هنرمندان، کارگردانان و هنرپیشه‌ها برداشته شود؛ نگذاریم اتفاقی بیفتد که تعدادی از این‌ها ممنوع‌الخروج شوند یا اینکه تعدادی از آنها از کشور خارج شوند.»
پژشکیان همچنین تاکید کرد: «تلاش خواهم کرد دولت من دولت فرهنگی باشد، نه اینکه فرهنگ را دولتی کنیم؛ تلاش خواهم کرد امنیت فرهنگی را برای اهالی فرهنگ تضمین و از مداخله نهادهای غیرمسئول جلوگیری شود. تلاش حداکثری برای بازسازی اعتماد و امید در اهالی فرهنگ خواهم کرد و این رویکرد مانع از فرار و مهاجرت نخبگان خواهد شد.»
به اعتقاد او: «دولت باید کار را به سازمان‌ها و نهادهای بخش خصوصی بسپارد. همچنین ممیزی باید شفاف و مطابق قانون صورت بگیرد و به‌هیچ‌وجه نباید سلیقه‌ای اعمال شود. من ممیزی‌هایی را که به‌صورت سلیقه‌ای انجام می‌شوند، رد می‌کنم و اجازه آنها را نمی‌دهم. همچنین به هیچ وجه اجازه مداخله سایر دستگاه‌ها را در حوزه تخصصی و فرهنگ نخواهم داد.»

▼ فرهنگ باید عرصه تولید باشد نه مصرف

سعید جلیلی در زمینه فرهنگ، هنر و سینما اظهار کرد: «از افتخارات کشور ما این است که تاریخ‌اش مملو از تولیدات فرهنگی مثل دیوان‌های شعر، معماری‌های ماندگار است و حتی قالی ایرانی به‌عنوان یک تولید فرهنگی است. به‌مدد انقلاب اسلامی زیرساخت‌هائی و نیروی انسانی ارزشمندی برای تولیدات فرهنگی داریم که دشمن سعی دارد مانع این تولیدات شود. همانقدر که آمریکایی می‌کند مانع پیشرفت هسته‌های خود و از برخی صنایع ما جلوگیری کند، حتماً در زمینه‌های هنری هم این تلاش را دارد. تلاش آمریکا با ساخت «ارگو»، «سبصد» یا «بدون دخترم هرگز» علیه ایران بود و تمام ملت را هدف قرار دادند ولی چون نتوانسته است جلوگیری کند از این زیرساخت‌ها، امروز می‌خواهد نرم‌افزار را یعنی امیدبخشی و موفقیت‌ها را هدف قرار دهد.»

جلیلی همچنین در تبیین نگاه سینمایی خود گفت: «برای من جالب بود که کارگردانی داریم که فیلم‌های بسیار خوبی می‌سازد مثل آقای «احمدرضا معتمدی» که کنایی می‌نویسد با عنوان «فلسفه فیلم» که سه فیلمسوف برای آن مقدمه می‌نویسند و چه کتاب عمیق و خوبی است. کارگردان سریال «آتش و باد» در جلسه‌ای به من گفت که شش سال مطالعه تاریخی در اسناد کرده‌ام. می‌خواهم بگویم ما زیرساخت‌های بسیار ارزشمندی برای تولیدات فرهنگی داریم اما باید نقشه کلان داشته باشیم یعنی اگر در سال ۱۰۰ فیلم می‌سازیم، باید مشخص شود از این فیلم‌ها چه سهمی برای کودکان، روستا، طنز یا تاریخ و مفاخر لحاظ شده است. این کار یک مدیر فرهنگی پخته است.»
جلیلی همچنین تصریح کرد: «دولت باید بداند که چه نقشه کلانی دارد و مدیر فرهنگی باید شایستگی لازم را داشته باشد و باید کسی باشد که در بین اهل هنر و فرهنگ شناخته شده باشد. همچنین باید او را بپذیرند و این قدرت را داشته باشد که جوانان این عرصه را اهری کند. مدیر فرهنگی اگر تولیدکننده فرهنگی نیست حداقل مصرف‌کننده حرفه‌ای فرهنگ باشد و بداند شعر، کتاب، فیلم، رمان و رسانه چیست. اگر این مسیر را طی نکنیم، نمی‌توانیم کاری کنیم که فرهنگ جایگاه خود را پیدا کند و راهبری لازم را داشته باشد.»

جلیلی گفت: «معتمد رئیس جمهور مشمول این حکم است که حداقل باید مصرف‌کننده حرفه‌ای فرهنگ باشد و چون رئیس شوراییالی انقلاب فرهنگی هم هست، باید بتواند نقش راهبری در فرهنگ کشور و اداره بودجه‌های تخصیصی در این زمینه ایفا کند. مدیریت فرهنگی مدیریت عابربانکی نیست که فقط پول بدهد. ثمره بودجه‌های فرهنگی بسیار مهم است و اینکه هزاران میلیارد تومان بودجه‌ها چه آثاری دارد، بودجه فرهنگی نباید منجر به میز، صندلی و ستادهای چاق و چله شود بلکه باید در آثار فرهنگی خود را نشان دهد. مردم انتظار محصولات خوب و فرهنگی دارند. اینجا قاعده‌مند کردن براساس منطق فرهنگی و قانون برای تولید فرهنگی اهمیت دارد.»

به اعتقاد جلیلی «اگر مدیر فرهنگی، فرهنگ را خوب نشناسد ممکن است دچار خطا یا انحراف شود و نتواند کمک لازم را بکند. زمانی که دبیر شوراییالی امنیت ملی بودم نامه آمد که فیلم مشکل دارد. من فیلمنامه را از کارگردانش گرفتم و خواندم و گفتم هیچ مشکلی ندارد و آن فیلم ساخته و با استقبال زیادی مواجه شد و نتنها به امنیت ملی لطمه نزد بلکه خیلی هم کمک کرد. اینجااست که فرهنگ باید شناخته

شود و به اندک چیزی، فرهنگ مورد تعرض قرار نگیرد.»

سعید جلیلی همچنین به اصناف سینمایی اشاره کرد و گفت: «ما ۳۵ صنف داریم که در صنعت سینما مشغول هستند. از سال ۱۳۶۸ شغل کارکنان صنعت سینما در ذیل شغل صیادان فصلی جنوب در وزارت کار ثبت شده است که این لطمه جدی به صنعت است و آن‌ها ردیف مشخص قانونی ندارند. خیلی مهم است مدیر فرهنگ تا پایان کار را بداند.»
او همچنین گفت: «در بازی‌های رایانه‌ای، ۳۴ میلیون بازی‌کننده داریم که هزاران میلیارد تومان چر مالی آنهاست که این فرصت برای ماست. در انیمیشن تولیداتی مثل «بچه‌زنگ»، «پسر دلفینی» و «فیل‌شاه» داریم که

می‌توانند بازار جهانی پیدا کنند. لوکیشن‌های سینمایی مثل «کوه‌های مریخی» را داریم. اگر این موضوعات را جدی بشناسیم، آثار خیلی خوبی خواهد داشت.»
جلیلی درنهایت لازمه کار فرهنگی را اینگونه تشریح کرد: «کار فرهنگ از خود دولت و اصلاح فرهنگ سیاسی شروع می‌شود. از خطاکار قهرمان نسازیم اما کار دینی را به‌شکل دینی با قدرت دنبال کنیم. باید به فرهنگ سیاسی مسئولان توجه کرد، زیرا یک دروغ یا خلاف واقع‌گویی مسئولان ممکن است میلیاردها تومان هزینه‌های فرهنگی را از بین ببرد.»

▼ دولت‌پیشران تولیدات فرهنگی باشد

امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی هم دیدگاه خود را در حوزه فرهنگ و هنر اینگونه شرح داد: «دولت ما باید نقش پیشرانی خود را در تولیدات فرهنگی ایفا کند. حوزه فرهنگی باید مورد حمایت دولت‌ها قرار بگیرد. امروز فرهنگ کشور مورد حمله دشمنان است و سریال‌هایی مثل «حاشاشرین» می‌سازند تا تاریخ ما را هرگونه که می‌خواهند روایت کنند. نسبت به هجوم به فرهنگ کشورمان باید پاسخ درخور بدهیم.»
به گفته قاضی‌زاده: «در «دولت مردم و خانواده» از آثار فاخر حمایت می‌کنیم. چرا اثری مانند «سلمان فارسی» باید آنقدر طول بکشد؟ تاریخ پرشکوهی داریم و مثل خیلی از کشورهای دنیا مجبور به افسانه‌سرای نیستیم. قهرمانان تاریخی بزرگی از جمله‌شهادا داریم. تک‌تک شهدای انقلاب قابلیت پرداختن شده و درباره آن بحثی صورت نگرفت. این درحالی است که این مطبوعات و روزنامه‌ها مثل همین گزارش هستند که این منظره‌ها و دیدگاه نامزدها و به‌طور کلی اخبار انتخاباتی را بازتاب داده و تحلیل می‌کنند. گویی برای صداوسیما که خود یک ابزاررسانه است، مطبوعات و روزنامه‌ها به‌عنوان بخشی مهمی از دستگاه فرهنگی کشور محلی از اعراب نداشت. با این حال سینما و رسانه‌های تصویری به‌عنوان بخشی از قلمرو بزرگ رسانه مورد مباحثه قرار گرفت که در ادامه به دیدگاه نامزدها در این باره خواهیم پرداخت.

درون‌سازمانی داشته‌باشیم.»

▼ حمایت از تولیدات فرهنگی

علیرضا زاکانی هم با اشاره به عملکرد سینمایی شهرداری تهران گفت: «صندلی هنری را احیا کردیم و به ۵۵۰۰ صندلی رساندیم و ۱۰۰۰ صندلی دیگر را هم ایجاد خواهیم کرد.»
زاکانی معتقد است که سیاست‌گذاری فعال و حامی، وظیفه دولت است و تاکید کرد: «اعمال سلیقه فردی و محدود را درست نمی‌دانم. حق مثل هوا، سبب حیات می‌شود. دولت خدمت، دولتی است که حامی تولیدات فرهنگی و هنری درست و خوب باشد.» او گفت: «از تداخل در کارها جلوگیری می‌کنم همچنین توجه‌پررساخت‌های فرهنگی، انیمیشن، فیلم، کتاب و حقوق مالکیت‌ها موضوعات موردتوجه دولتم خواهد بود. قالب‌های فرهنگی مثل کتاب و کتاب‌خوانی

یکشنبه ۳ تیر ۱۴۰۳
سال سوم - شماره ۵۳۶
www.hammihanonline.ir

امری است که اگر ملت به آن توجه کند، آینده‌ای براساس تجربه‌پیشینیان خواهدساخت.»

به‌گفته‌زاکانی: «بایدبه‌فرهنگ‌به‌عنوان مدار سایر نظامات توجه کرد و بر مدار تحولات و جهش‌های جامعه از ابزارها و عناصر فرهنگی استفاده کرد. فیلم، سریال، نمایش خانگی، کتاب و کتاب‌خوانی نیاز به حمایت جدی دارد چون این مسئله کمک به رفع ضعف و انتقال مؤثر پیام به مخاطب است و موجب عمق‌بخشی و ماندگاری پیام می‌شود.»

▼ جای خالی رسانه و مطبوعات در منظره فرهنگی

بخش سوم منظره سوم به حوزه هنر، سینما و کتاب اختصاص داشت. با طرح این سوال‌ها راهکار شما برای تولید فیلم‌هایی با موضوع نشان دادن مشکلات جامعه بدون سیاه‌نمایی چیست؟ قانون ناظر به حقوق معنوی رسانه‌های تصویری وجود ندارد؛ در این باره چه سیاستی دارید؟ برنامه شما برای پیوست دادن فرهنگ به طرح‌های توسعه‌ای مشخصاً طرح‌های اقتصادی چیست؟ برای امنیت فرهنگی چه فکری کردید؟ برنامه شما برای ترویج فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی و حمایت از نویسندگان چیست؟ آنچه جای آن به‌شدت خالی بود و اتفاقاً بیشترین نزدیکی فرهنگ با سیاست را داشت و درواقع حلقه وصل این دو حوزه بود، مطبوعات و رسانه‌ها بودند که به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی در منظره فرهنگی نایده گرفته شده و درباره آن بحثی صورت نگرفت. این درحالی است که این مطبوعات و روزنامه‌ها مثل همین گزارش هستند که این منظره‌ها و دیدگاه نامزدها و به‌طور کلی اخبار انتخاباتی را بازتاب داده و تحلیل می‌کنند. گویی برای صداوسیما که خود یک ابزاررسانه است، مطبوعات و روزنامه‌ها به‌عنوان بخشی مهمی از دستگاه فرهنگی کشور محلی از اعراب نداشت. با این حال سینما و رسانه‌های تصویری به‌عنوان بخشی از قلمرو بزرگ رسانه مورد مباحثه قرار گرفت که در ادامه به دیدگاه نامزدها در این باره خواهیم پرداخت.

▼ فرهنگ و رهایی از قید سیاست

اگر بخواهیم دیدگاه نامزدهای انتخاباتی درباره فرهنگ را در ذیل یک مفهوم صورت‌بندی کنیم، باید از نسبت سیاست و فرهنگ یا فرهنگ و قدرت حرف بزنیم. از این منظر دودیدگاه کلی‌رامی‌توان از برآیند کلی دیدگاه‌های فرهنگی مطرح‌شده در منظره سوم استخراج کرد. یکی نگرشی که گرچه در یک ینز انتخاباتی از فضای باز در عرصه فرهنگ وتولیدات فرهنگی حرف می‌زند اما همچنان نگران این است که تولید فرهنگ را به جامعه و خود مردم بسپارد و به سیاست صیانت از فرهنگ توسط دولت معتقد است. فرهنگ اما عرصه‌ای است که باید زمینه جوشش و پالایش آن در زمین خودش فراهم شود و نظارت‌های بیرونی اغلب مانع از رشد طبیعی آن می‌شود. برخی از حرف‌هایی که درباره فرهنگ، هنر، سینما و رسانه در این منظره بیان شد، حرف‌های قشنگی است. اینکه ما به امنیت فرهنگی نیاز داریم نه فرهنگ امنیتی، اینکه دولت فرهنگی کارگشاست نه فرهنگ دولتی و مدیریت سینما باید به اصناف خانه سینما محول شود و حرف‌هایی از این دست که زیاست اما لازمه آن استقلال حوزه فرهنگ و هنر از ساحت سیاست به‌معنای کاهش تولیدت دولت بر نهادهها و مراکز فرهنگی و هنری است. حوزه فرهنگ و هنر داشتند، امروز مدیریت انحصارطلبانه در دست فرهنگ و هنر داشتند، امروز از فضای باز و آزاد برای هنر و رشد خلاقیت هنری می‌گویند. نامزدهایی که مصمم‌به‌تداوم سیاست‌های فعلی‌اند امافضای ملتهب و متصلب فرهنگی و هنری کنونی را نمی‌بینند. شاید بیش از هر چیزی باید روشن شود مقصود آنها از فرهنگ دقیقاً چیست، وگرنه صحبت از اهمیت و چاره‌سازی فرهنگ‌که هنر نیست. استادبهرام بیضایی هنرمندان‌هنر اثر مهم‌رابیان کرده است. آنجا که می‌گوید جهان را چاره جز فرهنگ نیست. باید به این جمله افزود که چاره فرهنگ هم رهایی از قید سیاست است تا بتواند به خلق زیبایی و حقیقت دست بزند.

گرامافون

مطالعه‌ای جامعه‌شناختی در حوزه موسیقی

نگاهی به کتاب «تا بردمیدن گلها»



عطا نویدی

پژوهشگر موسیقی ایرانی

اختراع رادیو، این رسانه همگانی یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای بشر بود؛ دستاوردی که نقطه‌عطفی در تاریخ محسوب می‌شود و تأثیر شگرفش بر تمام ارکان زندگی مردم غیرقابل انکار است. جنبه‌های ارتباطی این رسانه تأثیرگذار در جای خود قابل بررسی است اما از منظر موسیقی باید گفت، رادیو حیات موسیقی ایران را دگرگون کرد و تاریخ موسیقی ایران را به قبل و بعد تأسیس رادیو تقسیم کرد. رادیو با ورود به زندگی ایرانیان به مخاطب موسیقی هويت مستقل داد و حالا در این دنیای مدرن «مخاطب موسیقی» بودن شکل گرفت.

کتاب «تا بردمیدن گلها» مطالعه‌ای جامعه‌شناختی دارد در حوزه موسیقی از ابتدای تجدد تا تأسیس رادیو یعنی سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۳۴ یعنی سالی که برنامه «گلها» تأسیس شد. محمدرضا فیاض، موسیقیدان و پژوهشگر برجسته موسیقی ایران موضوع این کتاب را مواجهه با بازخوانی نحوه رویارویی ایرانیان با مقوله موسیقی در پرتو تأسیس رادیو بیان می‌کند و این بازخوانی به‌طور هم‌زمان در چند لایه حکمرانان، موسیقیدانان و جامعه‌مخاطب سمری می‌کند.

نویسنده کتاب معتقد است آن گونه‌ای از موسیقی که به‌عنوان «موسیقی رادیو» شناخته می‌شود، صرفاً زاییده خلاقیت موسیقیدانان یا معلول سیاست‌های فرهنگی نظام حاکم وقت نیست؛ بلکه آن را باید در فضایی سب‌عدی متشکل از سیاست‌گذاران فرهنگی، موسیقیدانان و جامعه مخاطب بررسی کرد. جامعه مخاطب موسیقی در ایران پس از تأسیس رادیو به‌طور مستقلی شکل می‌گیرد؛ موسیقی وارد زیست‌واو نیز وارد معادلات زندگی موسیقایی ایران می‌شود.

در فصل نخست این کتاب با عنوان «ویژگی‌های خاص ایران در مواجهه با رادیو» آن ویژگی‌هایی از جامعه ایران را بررسی می‌کند که به مطالعه تأثیر رادیو بر زندگی موسیقایی در ایران جنبه خاص می‌دهد و این‌ویژگی‌ها در دیگر جوامع که خود رادیو را برای نخستین بار به کار گرفتند قابل مشاهده نیست.

در فصل دوم دوران رضاشاهی که در آن دوران رادیو بنیان نهاده شد مطالعه می‌شود. در این فصل به شخص رضاشاه، دستگاه حکومتی او بر جسته‌ترین شخصیت‌های موسیقی آن دوران نگاهی شده است. تغییر ساختار حکومت در دوران پهلوی اول، ایجاد و ظهور طبقه اجتماعی جدید، گسترش شهرنشینی، تحول آموزش و... در خصوصیات موسیقی در دهه اول حیات رادیو بی تأثیر نبوده و این فصل از کتاب سعی در واکاوی این موضوعات دارد.

فصل سوم این کتاب به بررسی سامانه موسیقایی ایران در آستانه راندازی رادیو می‌پردازد و نگاهی دارد به افراد و هنرمندانی که موسیقی را در آن دوران ساخته‌اند. این فصل نیز مانند دیگر فصل‌ها با ارائه اسناد و تحلیل آن توانسته دید درستی به مخاطب از ایران در آستانه تأسیس رادیو بدهد.

در فصل چهارم و پایانی کتاب فرآیندهای موسیقی رادیو مورد بررسی قرار گرفته و نگاهی به اتفاقات، مسائل و دیدگاه‌هایی دارد که درنهایت در سال ۱۳۳۴ منجر به تأسیس برنامه گلها توسط داود پیریان شد. به تعبیر نویسنده‌ی «بردمیدن گلها به دست باغبان آن»: «مباحث این کتاب قصد دارد داستان تجدد را نه به‌عنوان موضوعی نظری بلکه به‌مثابه یک پروژه عملی در کش‌های دست‌اندرکاران حوزه موسیقی بازشناسی کند. با عبور از امر جزئی به امر کلی؛ مطالعه تجدد ایرانی نه در وجهی کلان و عام بلکه در فعالیت انسان‌هایی که در عمل درگیر موسیقی‌اند.»
کتاب «تا بردمیدن گلها»، تألیف محمدرضا فیاض سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

